



# ایران در پرتگاه تجزیه و سقوط!

هم میهنان گرامی ، خواهران و برادران ارجمند،عقربه زمان در حال چرخش است و طراحان نابودی ایران، منتظر رسیدن دقیقه لازم برای شمارش معکوس میباشند!، از مذاکراتی که از مدتها پیش بین نمایندگان ایران و دول غربی در اطاق های دربسته در نقاط مختلف در جریان است، بخوبی معلوم است که بعد از چند سال حضوری نتیجه نمایندگان ایران در جلسات مذاکرات، این بار مذاکرات مثل سال های گذشته بایکدنگی و گردن کلفتی جمهوری اسلامی نیست، زیرا فاساد رژیم حاکم و تحریم های امریکا و اروپا بطور جدی ایران را از پا در آورده است ، تورم غیر قابل کنترل و نزول سرسام آور ارزش پول و افزایش روزانه بیکاری که به بالاترین حد خود رسیده ، ایران را بحال استیصال و درماندگی و انفجار در آورده.

به علت رفتار و سیاست های غلط و نابخردانه جمهوری اسلامی، کشور ایران در چهار طرفش نه تنها یک کشور دوست ندارد، بلکه همگی دشمن و خواهان تجزیه و نیستی ایرانند از قبیل تمام کشورهای عربی ساحل خلیج فارس و خاور میانه و شمال افریقا، عراق ، ترکیه ، جمهوری آذربایجان ، کشورهای اطراف دریای کاسپین (بخاطر تصاحب قسمت اعظم دریا مازندران بامنابع سرشار نفتش) ترکمنستان و افغانستان، و غیره .. و بطور کلی اکثر کشورها جمهوری اسلامی را یک حکومت تجاوزگر، حادثه آفرین ، حمایت کننده گروه های تروریستی و ایجاد کننده عدم صلح و آرامش نه تنها در سطح منطقه بلکه در نقاط مختلف دنیای دانند که برای دست یابی به سلاح های اتمی سال ها است با صرف هزینه های گزاف خود را آماده مسلح شدن به سلاح های اتمی میکند، بدیهی است که دنیا از اعمال خطرناک جمهوری اسلامی باخبر است و با ایجاد فشارهای مختلف این حلقه فشار را هر روز تنگتر و تنگتر کرده و در حال خفقان جمهوری اسلامی مجبور به تسلیم خواهد شد و تمام شرایط غرب را خواهد پذیرفت، فقط در مقابل شرط اینکه غرب تضمینی برای بقاء رژیم جمهوری اسلامی بدهد، با توجه به عملکرد سی و سه ساله جمهوری اسلامی بامردم ایران که نتیجه اش کشتار هزاران هزار زن و مرد، پیرو جوان ، اعدام و سنگسار و کشتارهای گروهی، سلب همه آزادی های فردی و اجتماعی، نه تنها عدم رعایت حقوق بشر، بلکه عدم رعایت کوچکترین اصول انسانی و اخلاقی بوده و در خارج هم بازیر پا گذاشتن تمام قوانین



بین المللی، صلح جهانی رابطور جدی تهدید میکند.

دراوائل دوردوم حکومت اُبا ما احتمالاً غرب درپی عملی کردن یکی از سه طرح زیر خواهد بود:

یک - درپی بند آمدن نفس ایران در اثر تحریم ها، ایران بشرط حفظ نظام حاضر به توقف تولید اُرانیم غنی شده برای ساخت سلاح اتمی شده و عین قذافی تأسیسات را از کار خواهد انداخت، ولی چون غرب شدت نفرت مردم ایران را از این حکومتداران بخوبی میدانند که چگونه مردم تشنه خون حاکمان و عاملان کشتار و جنایات سی و سه ساله هستند و بدون شک انتقام جوئی و کشتار و خونریزی غیر قابل جلوگیری به وجود خواهد آمد و احتمالاً دامنه این فاجعه بمناطق دیگری هم کشیده خواهد شد، بنابراین مصلحت در انتقال قدرت و حکومت از حاکمان منفور فعلی به ظالمان دیروز و مظلومان امروز است!!، این همان طرحی است که در سال ۱۳۸۸ با جلب نظر غرب بوسیله حسین موسوی و مهدی کروبی و اکبر هاشمی و محمد خاتمی تحت شعار جنبش سبز شروع و به علت محاسبه غلط در بر آورد قدرت و دوطرف و مخصوصاً پی بردن ملت ایران به اینکه این گروه علاوه بر سوابق جنایت و خیانت بار گذشته خود با سازش با غرب بصراحت خواهان حفظ نظام باتمام کلیتتش بوده و در آرزوی برگشت به دوران طلایی امام میباشند!!، لذا با عقب نشینی مردم شعله جنبش فروکش کرد، با ظاهر سازی و صحنه سازی با اصطلاح سرکوب و حبس خانگی پرچمداران جنبش سبز و با گذشت تقریباً دو سال و نیم آن مظلومان تطهیر شده تبدیل به رهبران دلسوز ملت و طرفداران عدالت و آزادی شده اند!!، بنابراین در حال حاضر باز هم غرب با سازش با این گروه در فکر استفاده از روی دیگری است!

دو - از چند دهه قبل اسرائیل و انگلستان در فکر براندازی حکومت ایران و تبدیل آن به چند حکومت کوچک بودند (طرح برنارد لوئیز) ولی چون امریکاداران زمان با ایران دارای روابط نزدیک بود، لذا بدون موافقت امریکا اجرای براندازی حکومت ایران ممکن نبود، با قانع کردن امریکا به اینکه حکومت محمدرضا شاه بعلمت عدم رعایت حقوق بشردرد قبول ملت ایران نیست، و در صورت قیام مردم، روی کار آمدن کمونیست ها حتمی است، بنابراین امریکا در جهت استحکام کمربند سبزه دور اتحاد جماهیر شورور آن روز با طرح براندازی حکومت محمدرضا شاه و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی موافقت و فاجعه سال ۱۳۵۷ بوجود آمد.

با گذشت سی و سه سال و بوجود آمدن مسائل و مشکلات فراوان علیه غرب از طرف رژیم بی بند و بار جمهوری اسلامی، امروزه تنه امانافع غرب بخطر افتاده بلکه با دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح های هسته ای دنیا با خطر جدی روبرو خواهد شد.

غرب اگر نتواند جمهوری اسلامی را وادار به تمکین کند و یا نتواند مهره های مورد قبول خود را (گروه جنبش سبز مذهبی) به مسند قدرت و حکومت برساند اقدام به اجرای طرح دوّم که عبارت است از «طرح تجزیه ایران» خواهد نمود.



غرب از سال هاقبل درجهت اجرای تجزیه ایران اقدام به اجیرکردن عده ای بنام تجزیه طلب نموده و این عده باتشکیل کنفرانس هاوسمینارهای مختلف وبانتشارمقالات ومصاحبه های رادیو و تلویزیونی تحت عناوین رهائی ملت های تحت ستم فارس ها!، حق تعیین سرنوشت اقوام وملت های غیرفارس!، برقراری حکومت فدرال، ویاحکومت غیرمتمرکز! و ..... نموده ودرخواست خودمختاری برای مناطق آذربایجان ، کردستان ، خوزستان ، بلوچستان رانموده ومدتی است که بطورعلنی درنشست ها وتظاهرات با برافراشتن پرچم جمهوری آذربایجان درپی الحاق آذربایجان ایران به جمهوری آذربایجان!! (پیشنهاد دنارورابا کرضومجلس امریکا به گنجره امریکا) هستندویا افراشتن پرچم کردستان عراق، درخواست پیوستن کردستان ایران به کردستان عراق وایجاددولت عربستان درخوزستان ودولت بلوچستان آزاد دربلوچستان را مینمایند!!، چنین اقداماتی نه تنها موردحمایت غیرمستقیم امریکا وانگلستان واسرائیل قرارداددبلکه موردپشتیبانی کشورهای ترکیه وجمهوری آذربایجان واکثرکشورهای عربی است، ورفتارنادرست ونابخردانه جمهوری اسلامی باقلیت های قومی ومذهبی وایجادشدن نیروی گریزازمرکز، خطر تجزیه راچندبرابرکرده.

سه - چنانچه غرب نتواندموفق به تمکین ویا تغییر ویا تجزیه بشود، بدون تردید اقدام به تخریب مراکزوتأسیسات اتمی خواهدنمود، این امرنه تنها هزاران میلیارد خسارات مالی رادربرخواهدداشت، بطوریقین باعث کشته شدن میلیون هامردم بیگناه ایران شده وخسارات جانی ومالی جبران ناپذیری راببارخواهدآورد. عده ای ازایراندوستان وفعالین وگروه ها وسازمان های سیاسی بااحساس خطروجدی بودن موضوع ازیکسال ونیم قبل باکنارگذاشتن اختلافات مسلکی وعقیدتی برای نجات ایران ودرجهت براندازی حکومت خیانتکار و جنایتکار جمهوری اسلامی دورهم جمع شده وتشکیل «جبهه همآهنگ مبارزان ایران» راداده اند، امروزاین جبهه مرکب اربیبست وچهارسازمان سیاسی برای جلوگیری ازوقوع هریک ازسه طرح فوق درجهت براندازی حکومت جمهوری اسلامی ونجات ایران وبرقراری حکومت مردم سالارسکولاربرپایه منشورجهانی حقوق بشر فعالیت میکند.

### **راه حل برای نجات ایران چیست؟**

باتوجه به اتفاقاتی که درکشورهای مختلف وشرايط متفاوت بوقوع پیوسته این امرثابت شده که چنانچه همه مردم یک کشورعلیه حکومت دیکتاتوری وخودکامه به پاخواسته اند، بطورحتم توانسته اندحاکمان مستبدراازاریکه قدرت پائین بکشندوحکومت مردم سالاررابرقرارکنند، زیرا قیام یکپارچه مردم چون سیل عظیمی است که تمام موانع راازسراوه خودبرمیدارد وازبین میبرد، نمونه چنین قیام های مردمی را طی چنددهه اخیردرکشورهای لهستان ، افریقای جنوبی ، شیلی ، وسایرکشورهادیده ایم که چگونه نیروی مردم برحاکمان جبارچیره شده اند.



جمهوری اسلامی طی سی و سه سال حکومت غاصبانه خودبانهایت قساوت و شقاوت چندصد هزار از مردم ایران رازندانی و تحت شکنجه قراردادده ویاکشته است، امروز که ایران در پرتگاه تجزیه و سقوط قرار گرفته وظیفه احاد مردم داخل و خارج ایران است که دست اتحاد بهم داده و با براندازی جمهوری اسلامی کشور خود را نجات بدهند.

هم میهنان، عمر حکومت جبار و قهار جمهوری اسلامی به پایان رسیده، اگر شما مردم ایران همگی بپانخیزید قطعاً با دخالت دول بیگانه سرنوشتی بدتر از عراق و افغانستان ولیبی و مصدر در انتظار ملت ایران خواهد بود، بنابراین، گروه «نگهبانان یکپارچگی ایران» که یکی از گروه های متحد «جبهه همآهنگ مبارزان ایران» است امیدوار است:

۱ - مردم داخل ایران شامل همه طبقات : دانشگاهیان و دانشجویان ، زنان ، کارمندان ، کارگران ، نظامیان و نیروهای شهربانی و ژاندارمری بطور کلی همه زنان و مردان ایران به پا خیزند.

۲ - جمهوری اسلامی با اعزام عوامل خود به خارج از کشور و تشکیل جلسات متعدد با صرف هزینه هنگفت در صد گرد آوردن عده ای برای موازی سازی و فلج کردن و توقف فعالیت اپوزیسیون خارج از کشور است ، بنابراین در چنین شرایط بحرانی و خطرناک وظیفه همه فعالین و گروه های سیاسی خارج از کشور است که با تشخیص و خامت اوضاع با از خود گذشتگی و حسن نیت مثل بیست و چهار سازمان های سیاسی دیگر به حول محور جبهه همآهنگ مبارزان ایران جمع شده و از اجرای نقشه های مخرب و دخالت دول خارجی جلوگیری کرده و با برکنار کردن حکومت جمهوری اسلامی موجبات برقراری حکومت مردم سالار بدست خود مردم ایران را فراهم کنند،

### این تنها راه نجات ایران است.

با آرزوی نجات کشور اهورائیمان ایران و حفظ استقلال و یکپارچگی ایران

نگهبانان یکپارچگی ایران

۲۱ نوامبر ۲۰۱۲